

واکاوی پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران

ابراهیم علی‌آبادی،* محمد عزیزی،** اکبر عالم تبریز*** و علی داوری****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶	شماره صفحه: ۲۳۷-۱۹۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

دولت‌ها نقش مهمی را در ایجاد یک محیط سازنده برای ظهور و توسعه کارآفرینی ایفا می‌کنند که می‌تواند از طریق اجرای خط‌مشی کارآفرینی به دست آید. پیاده‌سازی خط‌مشی، پیوندی بین فرمول‌بندی و نتایج خط‌مشی‌های مورد انتظار است. پژوهش حاضر کاربردی است که با هدف طراحی الگوی پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه خط‌مشی کارآفرینی تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه است و برای طراحی این الگو ابتدا با چهارده نفر از صاحب‌نظران و مجریان خط‌مشی‌های کارآفرینی تا دستیابی به اشباع نظری مصاحبه عمیق انجام شد. پس از جمع‌آوری و تلخیص داده‌های مصاحبه‌ها، با استفاده از تکنیک تحلیل تم، کدگذاری باز و محوری، ۳۲ شاخص برای سنجش هفت عامل استانداردسازی، مشارکت در اجرا، مجریان، محیط اجرا، شرایط اجرا، ارزیابی اجرا و بازخورد شناسایی شدند. در ادامه طی مصاحبه دیگری با همان خبرگانی که در مصاحبه قبلی حضور داشتند، رابطه زوجی و دوبه‌دو عوامل شناسایی شد و با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، تجزیه و تحلیل و در نهایت ارتباط و توالی عوامل در مدلی شامل هفت بُعد در پنج سطح استخراج شد. نتایج به دست آمده نشان دادند که استانداردسازی اساس و زیربنای الگوی پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران است که باید مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نتایج این بخش، عوامل مشارکت در اجرا، شرایط اجرا و ارزیابی در اجرا جزء عوامل وابسته‌اند که از قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی بالایی برخوردارند. عامل بازخورد متغیر پیوندی است و عوامل استانداردسازی، مجریان و محیط اجرا جزء متغیرهای مستقل هستند که از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند و به عنوان متغیرهای کلیدی خوانده می‌شوند. با توجه به عوامل شناسایی شده در تحقیق پیشنهاد می‌شود سند ملی کارآفرینی و نقشه راه پیاده‌سازی آن تدوین و در این راستا از نظر و پیشنهادهای مجریان و ذی‌نفعان هم در تشخیص واقعی مسائل و هم در ارائه راهکارهای اجرایی موفق برنامه‌های کارآفرینی استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: اجرا؛ کارآفرینی؛ سیاست‌های کسب‌وکار؛ محیط کسب‌وکار

* دانشجوی دکتری کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران؛

Email: aliabadi55@yahoo.com

** دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: m_azizi@ut.ac.ir

*** استاد دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

Email: a-tabriz@sbu.ac.ir

**** استادیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

Email: ali_davari@ut.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصد و چهاردهم، تابستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR-2110-4847

مقدمه

اهمیت کارآفرینی برای پژوهشگران، سیاستگذاران و مدیران بیش از پیش آشکار شده است. برای رسیدن به سطح مطلوب کارآفرینی نیازمند خط‌مشی صحیح هستیم. خط‌مشی کارآفرینی در چند دهه گذشته به سرعت در حال پیشرفت بوده است، ابتدا در ایالات متحده ظاهر شد (Hart, 2003) و به سرعت توجه خط‌مشی‌گذاران اروپایی را جلب کرد (Gilbert, Audretsch and McDougall, 2004). خط‌مشی کارآفرینی ضمن تشویق افراد به کارآفرین شدن، خدمات پشتیبانی و منابع لازم برای پرورش کارآفرینان موفق را فراهم می‌کند. از این‌رو دولت‌ها باید موانع ورود به دنیای کسب‌وکار را کنار بگذارند و فرصت‌هایی را برای شروع کسب‌وکار جدید و تحریک مشارکت و سرمایه‌گذاری کارآفرینانه فراهم کنند (Tsai and Kuo, 2011). خط‌مشی‌گذاران در تمامی سطوح دولت‌ها جهت احیای عملکرد اقتصادی خود علاقه زیادی به ترویج کارآفرینی دارند، بنابراین آنها به خط‌مشی‌های کارآفرینی توجه دارند (Acs and Szerb, 2007).

از سوی دیگر دولت‌ها نقش مهمی در ایجاد یک محیط سازنده برای ظهور کارآفرینی ایفا می‌کنند (Minniti and Lévesque, 2008) که می‌تواند از طریق اجرا و پیاده‌سازی خط‌مشی کارآفرینی به دست آید. پیاده‌سازی و اجرای خط‌مشی، پیوندی بین فرمول‌بندی و نتایج خط‌مشی‌های مورد انتظار است، به عبارت دیگر یک فرایند برای اعمال خط‌مشی‌ها و تلاش برای دستیابی به نتایج مطلوب است. از این‌رو می‌توان گفت عوامل متعددی می‌توانند در اجرای یک خط‌مشی نقش داشته باشند. اجرای خط‌مشی به معنای اجرای قانون است که بلافاصله پس از تصویب و قانونی شدن خط‌مشی اتفاق می‌افتد که بازیگران و سازمان‌ها با درهم آمیختن رویه‌ها و فنون متفاوت می‌کوشند، هدف‌های یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب

و مثبت برسانند (قلی‌پور، ۱۳۸۷). مرحله اجرا یکی از مهمترین و پرچالش‌ترین مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری است، زیرا این مرحله نقطه آغازین تحقق هدف‌هاست و پس از آن مرحله ارزیابی است که میزان دستیابی به هدف‌ها مورد سنجش قرار می‌گیرد. نتیجه این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که چقدر اجرای خط‌مشی‌های تدوین شده موفقیت‌آمیز و یا با شکست همراه بوده است.

بسیاری از دولت‌ها نظریه اقتصادی کارآفرینی را پذیرفته‌اند (Jennings, Perren and Pittaway, 2005; Perren and Jennings, 2005; and Carter, 2005). دولت‌ها با تمرکز روزافزون بر کارآفرینی آن را به عنوان سازوکار حل مسائلی مانند ضرورت اشتغال‌زایی، یکپارچه‌سازی نیروی کار، انسجام اجتماعی، بهبود در بهره‌وری و رقابت‌گری، نوآوری اقتصادی و نوآوری و ایجاد ثروت وارد دستگاه خط‌مشی‌گذاری خود کرده‌اند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸). اجرای ناموفق خط‌مشی‌های تدوین شده در این حوزه از جمله مشکلاتی است که برخی دیگر از کشورها با آن مواجه‌اند. مسئله اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران نیز چند وقتی است که مورد توجه جدی مسئولان قرار گرفته است. خروجی و نتایج پیاده‌سازی این خط‌مشی‌ها در طی سالیان اخیر به استناد گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی معتبر دارای نوسانات متعددی بوده است. در دو دهه اخیر تلاش‌های زیادی برای طراحی و اجرای برنامه‌های مختلف کارآفرینی شده است. بنابراین با آنکه خط‌مشی کارآفرینی در دو دهه اخیر وارد دستگاه خط‌مشی‌گذاری دولت‌ها شده است، اما همچنان بر سر عناصر اصلی شکل‌دهنده، قلمرو، ویژگی‌ها و نحوه پیاده‌سازی آن بحث وجود دارد. از سوی دیگر نتایج اجرای خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کارآفرینی در سالیان اخیر در ایران به استناد گزارش‌های معتبر جهانی مطلوب نیست. بر این اساس هدف پژوهش حاضر تدوین الگویی جهت پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های کارآفرینی در کشور و ارائه پاسخی مناسب برای

این دو سؤال است که عوامل و عناصر پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران کدام‌اند؟ و نگاشت عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری چگونه است؟

۱. ادبیات نظری

کارآفرینان بازیگران اصلی پیشرفت اقتصادی هستند. براساس نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ (۲۰۱۰)، کارآفرینان می‌توانند با شناسایی فرصت‌های جدید تجاری یا گسترش کسب‌وکارهای موجود، شناسایی محصولات، فرایندها یا خدماتی که می‌توانند از لحاظ اقتصادی بهره‌برداری شوند، ارزش اقتصادی ایجاد کنند و باعث تقویت کارآفرینی شوند. از سوی دیگر نوآوری و خلاقیت در محیط‌های رقابتی کنونی، مهمترین عامل رشد و پیشرفت بشر در بقای سازمان‌ها و به‌طور کلی در تمامی زمینه‌هاست (محمدکاظمی، جعفری‌مقدم و سهیلی، ۱۳۹۱). این موضوعات همان استراتژی است که کشورها برای بهبود عملکرد اقتصادی و تحریک کارآفرینی و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی استفاده می‌کنند (Sarfati, 2013). خط‌مشی‌های عمومی بر این باور استوار است که حمایت بخش دولتی از فعالیت‌های کارآفرینی به رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و تقویت رقابت بین‌المللی کمک می‌کند (Audretsch and Beckmann, 2007; Van Praag and Versloot, 2007).

۲. خط‌مشی کارآفرینی

خط‌مشی را به عنوان «دستورالعمل‌های ویژه، روش‌ها، رویه‌ها، قوانین، گونه‌ها و شیوه‌های اجرایی مقرر برای حمایت و تشویق کار در جهت اهداف مشخص شده»

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

تعریف می‌کنند. خط‌مشی‌ها ابزارهایی برای اجرای استراتژی هستند و مجموعه‌ای از محدودیت‌ها، قیدها و حدود را برای انواع اقدامات اجرایی تعیین می‌کنند. آنها مشخص می‌کنند که براساس اهداف سازمانی چه کارهایی را می‌توان انجام داد و چه کارهایی نباید انجام شود. ابیورد و ادفسو^۱ (۲۰۱۶) معتقدند خط‌مشی عمومی به اقدامات دولت و مقاصدی که این اقدامات را تعیین می‌کند اشاره دارد. خط‌مشی عمومی بر مشکلات عمومی متمرکز است که نیاز به اقدامات اساسی دارد.

خط‌مشی‌های عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی و در نتیجه ایجاد کسب‌وکار، رشد اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و نوآوری دارند (Nightingale and Coad, 2014). دولت‌ها خط‌مشی‌های عمومی را برای ارتقای کارآفرینی تدوین می‌کنند (Arshed, Carter and Mason, 2014; Henrekson and Sanandaji, 2013; Jacquemin and Janssen, 2014). خط‌مشی‌گذاران باید علاقه زیادی به ارتقای کارآفرینی داشته باشند (Ács and Szerb, 2007) زیرا خط‌مشی‌های آنها شاخص‌های مهمی برای رشد اقتصادی و ایجاد کسب‌وکار جدید است (Audretsch and Beckmann, 2007; Audretsch, Grilo and Thurik, 2007). کارآفرینی شامل طیف گسترده‌ای از خط‌مشی‌هایی از قبیل مالیات، آموزش و پشتیبانی مالی (Hoffmann, 2007; Minniti and Lévesque, 2008) با هدف ایجاد انگیزه و تشویق فعالیت‌های کارآفرینی در جامعه است. خط‌مشی کارآفرینی یک رویکرد جدید در خط‌مشی‌گذاری است که بر افراد و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که بر شرکت‌ها و گروه‌ها متمرکز است، توجه می‌کند (Norbäck, Persson and Douhan, 2014: 2). حمایت از کارآفرینی یک انتخاب فعال و استراتژیک است که توسط دولت‌ها در همه سطوح اعم از محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی اجرا می‌شود. در اروپا ابتکارات خط‌مشی

1. Abiuro and Adefeso

کارآفرینی در چند دهه گذشته افزایش یافته است. اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی توجه ویژه‌ای به حمایت از کارآفرینان از طریق برنامه‌های مختلف در سطوح مختلف دارند (European Commission, 2013). در آمریکا هم اقدامات مشابهی برای حمایت از کارآفرینی در حال انجام است. برنامه استارت‌آپ در این کشور به منظور حمایت از کارآفرینان به روش‌های مختلفی از نظر مالی، برنامه‌های هدایتی، شتاب‌دهی و ... در حال انجام است (Bager, Klyver and Nielsen, 2015).

۳. اجرا و پیاده‌سازی^۱ خط‌مشی

فرایند عقلایی خط‌مشی‌گذاری به صورت محض و بدون توجه به حوزه‌ای که خط‌مشی در آن تنظیم می‌شود شامل ۶ مرحله کلی است: شناخت مسئله یا مشکل، تنظیم و تدوین، قانونی کردن، اجرا، ارزیابی و اختتام برنامه (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). همه مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری به هم مرتبط بوده و ضعف در یکی از این مراحل به ایجاد مشکل در مراحل بعدی منجر می‌شود. البته نقاط قوت هر یک از این مراحل نیز بر روی کل فرایند تأثیر مثبت خواهد داشت. مرحله اجرا نیز از مراحل پیشین خود تأثیر گرفته و بر آنها تأثیر می‌گذارد (عباسی و بیگی، ۱۳۹۵).

اجرای خط‌مشی شامل فعالیت‌هایی از قبیل به‌کارگیری قوانین، تفسیر آنها و اجرای قوانین و تصورات و ارائه خدمات به مردم است (Brooks, 1989). اجرای خط‌مشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان‌ها، رویه‌ها و تکنیک‌های متفاوت درهم می‌آمیزد تا با تلاش، هدف‌های یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۱۲). در

مرحله اجرا، ذهنیات و اهداف جنبه عملی و عینی پیدا می‌کند و امکان ارزیابی میزان موفقیت خط‌مشی فراهم می‌شود. به عبارت دیگر مرحله اجرا آزمونی برای سنجش صحت پیش‌بینی‌های انجام شده در مرحله تدوین خط‌مشی است.

برای اجرای موفق خط‌مشی‌های تدوین شده باید با توجه به تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی الگوهایی متناسب با شرایط خاص آن خط‌مشی و حوزه اجرایی‌اش ارائه شود. از این رو می‌توان گفت اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. به رغم این واقعیت که خط‌مشی‌های عمومی کارآفرینی برای توسعه یک کشور حیاتی است (Arshed, Carter and Mason, 2014; Nightingale and Coad, 2014)، اما در طول سالیان گذشته همواره به دلیل مشکلات مربوط به تدوین و اجرا مورد انتقاد بوده است. ارشد، کارتر و میسون^۱ معتقدند این خط‌مشی‌ها اهداف روشنی ندارند زیرا به عنوان بخشی از یک برنامه هستند که با ساختار نامناسب ایجاد شده‌اند. آنها به یکی از این انتقادات اشاره می‌کنند که برخی از خط‌مشی‌های خاص مردم را به راه‌اندازی کسب‌وکار بدون در نظر گرفتن تأثیر اقتصادی احتمالی ترغیب می‌کنند، بنابراین افراد شرکت‌هایی با تأثیر کم تأسیس می‌کنند که سطح شغلی کمی را فراهم می‌کنند (Arshed, Carter and Mason, 2014).

شین در مورد فقدان اثربخشی خط‌مشی‌های شرکتی معتقد است که «خط‌مشی عمومی بد» است (Shane, 2009: 142). وی استدلال می‌کند «شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد این خط‌مشی‌ها مردم را به سمت شروع کسب‌وکارهای حاشیه‌ای سوق می‌دهد که احتمالاً شکست می‌خورند، تأثیر ناچیزی بر اقتصاد دارند و اشتغال کمی نیز ایجاد می‌کنند (Ibid.: 158). این قبیل مشکلات می‌تواند باعث نگرانی دولت‌ها شود، زیرا دولت مسئول تدوین و اجرای خط‌مشی برای ارتقا و حمایت

1. Arshed, Carter and Mason

از کارآفرینی است، به طوری که شرکت پیشرفت می کند و فرصت های جدیدی ایجاد می شود (Van de Ven, 1993). بر این اساس مرحله تدوین خطمشی های کارآفرینی عمومی باید تمرکز روشنی برای از بین بردن ابهام و اقدامات اشتباه داشته باشد (Lundström and Stevenson, 2005; Arshed, Carter and Mason, 2014). کیفیت یک خطمشی بستگی به داشتن یک مفهوم مشخص از هدف، نظارت کوتاه مدت و بلندمدت، کنترل و ارزیابی مؤثر و تنظیمات دارد (Arshed, Carter and Mason, 2014).

۴. خطمشی کارآفرینی در ایران

مداخله دولت در اکوسیستم کسب و کار ایران سابقه ای طولانی به قدمت دولت های آن دارد. این مداخله به عنوان ابزاری برای برنامه ریزی توسعه به طور رسمی از دوران پهلوی اول در سال ۱۹۳۷ میلادی شروع شد. درک داستان چگونگی گسترش کارآفرینی به عنوان یک ایده در ایران مستلزم بررسی تاریخ اجتماعی - اقتصادی کشور و محیط آن دارد (Keyhani and Jafari-Moghadam, 2008). در واقع فضای بازسازی و توسعه اقتصادی، پس از جنگ، براساس برنامه های پنج ساله اول و دوم باعث شد تا دولت به عنوان تسهیل کننده فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی به ویژه اصل (۴۴) توجه بیشتری به اصول قانون اساسی داشته باشد (Sinaee and Zamani, 2012; Jafari-Moghadam, Zali and Sanaeepour, 2017).

موضوع کارآفرینی در سالیان گذشته در اسناد بالادستی از جمله برنامه های چهارم، پنجم و ششم توسعه کشور، نقشه جامع علمی کشور و ... مورد توجه قرار گرفته و بهبود محیط کسب و کار به عنوان مهمترین و مؤثرترین راهبرد مبارزه با فقر و افزایش رشد اقتصادی پذیرفته شده است. به عبارت دیگر نوعی اجماع نسبی در میان کارشناسان و

مسئولان پیرامون نقش کارآفرینی و بهبود فضای کسب‌وکار کشور برای غلبه بر فقر و بیکاری، بهبود رشد اقتصادی، تقویت بخش خصوصی و ... وجود دارد. در حال حاضر در بیش از شانزده سند بالادستی کشور مشتمل بر ۹۸ ماده و بند به موضوع کارآفرینی و تسهیل شرایط برای صاحبان کسب‌وکار اشاره شده است. جدول ۱ تعداد مضامین مربوط به کارآفرینی در اسناد و برنامه‌های توسعه کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعداد مضامین مربوط به کارآفرینی در اسناد و برنامه‌های توسعه کشور

تعداد ماده	اسناد و برنامه‌ها	تعداد ماده	اسناد و برنامه‌ها
۱۹	قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار	۷	برنامه چهارم
۵	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۲۱	برنامه پنجم
۱	سند برنامه درسی آموزش و پرورش	۵	برنامه ششم
۴	نقشه جامع علمی کشور	۶	خط‌مشی‌های کلی اشتغال
۱	نقشه جامع علمی سلامت	۶	خط‌مشی‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۲	برنامه جامع آموزش عالی نظام سلامت	۵	خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی
۱	سیاست‌ها و راهکارهای کاهش مهاجرت نخبگان	۱۰	سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت
۱	سند راهبردی کشور در امور نخبگان	۴	سند راهبردی تحول علم و فناوری کشور

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

خروجی و نتایج پیاده‌سازی این خط‌مشی‌ها در طی سالیان اخیر به استناد گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی معتبر با نوسان‌های متعددی روبه‌رو بوده است. نمونه‌ای از آنها گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی است که هر ساله به ارزیابی و ارائه داده‌های پژوهشی معتبر در سطح بین‌المللی درباره فعالیت‌های کارآفرینانه کشورها می‌پردازد. براساس مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی، دوازده شاخص شرایط چارچوب

یا اکوسیستم کارآفرینانه کشورها را نشان می‌دهد؛ مانند سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، آموزش کارآفرینی در دوران مدرسه و بعد از مدرسه. در ادامه شرایط چارچوب کارآفرینانه ایران طی بازه زمانی سال ۲۰۱۶ تا سال ۲۰۲۱ مطابق جدول ۲ مشاهده می‌شود که رتبه ایران در بسیاری از این شاخص‌ها مناسب نیست.

جدول ۲. نتایج برنامه پژوهش دیده‌بان جهانی کارآفرینی درباره شرایط چارچوب

کارآفرینانه ایران

شاخص	سال	تعداد کشورها	رتبه ایران	امتیاز از ۱۰	میانگین	شاخص	سال	تعداد کشورها	رتبه ایران	امتیاز از ۱۰	میانگین	
دسترسی به تأمین مالی کارآفرینانه	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۶۰	۲/۸۸	۴/۳	انتقال تحقیق و توسعه	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۵۳	۲/۹۱	۴/۶۹	
	۲۰۱۷-۲۰۱۸	۵۴	۵۳	۲/۹۱	۴/۶۹		۲۰۱۸-۲۰۱۹	۵۴	۳۸	۳/۸۲	۴/۱۶	
	۲۰۱۸-۲۰۱۹	۵۴	۳۸	۳/۸۲	۴/۱۶		۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴	۴۸	۳/۲۶	۴/۶۱	
	۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴	۴۸	۳/۲۶	۴/۶۱		۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵	۳۱	۳/۹	۴/۶	
	۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵	۳۱	۳/۹	۴/۶		سیاست‌های دولت: حمایتی و ارتباطی	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۵۲	۳/۴۴	۴/۳
	۲۰۱۷-۲۰۱۸	۵۴	۳۸	۳/۷۴	۴/۶۶			۲۰۱۷-۲۰۱۸	۵۴	۵۴	۳/۵۶	۴/۸۲
	۲۰۱۸-۲۰۱۹	۵۴	۳۵	۳/۸۳	۴/۱۶			۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴	۴۷	۳/۰۷	۴/۳۹
	۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴	۴۷	۳/۰۷	۴/۳۹			۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵	۳۴	۳/۷	۴/۶
	۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵	۳۴	۳/۷	۴/۶							
	زیرساخت‌های قانونی و تجاری	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۶۵	۳/۱۵		۴/۹	زیرساخت‌های قانونی و تجاری	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۶۵	۳/۱۵
۲۰۱۷-۲۰۱۸		۵۴	۵۴	۱/۹	۴/۶۵	۲۰۱۸-۲۰۱۹	۵۴		۵۳	۳/۵۶	۴/۸۲	
۲۰۱۸-۲۰۱۹		۵۴	۵۳	۳/۵۶	۴/۸۲	۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴		۵۴	۲/۹۸	۵/۰۱	
۲۰۱۹-۲۰۲۰		۵۴	۵۴	۲/۹۸	۵/۰۱	۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵		۴۴	۳/۹	۵/۳	
۲۰۲۰-۲۰۲۱		۴۵	۴۴	۳/۹	۵/۳							

۲۰۵ _____ واکاوی پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران

شاخص	سال	تعداد کشورها	رتبه ایران	امتیاز از ۱۰	میانگین	شاخص	سال	تعداد کشورها	رتبه ایران	امتیاز از ۱۰	میانگین
سیاست‌های دولت: مالیات و ...	-۲۰۱۶ ۲۰۱۷	۶۵	۴۰	۶/۳۱	۵/۱	زیرساخت‌های فیزیکی	-۲۰۱۶ ۲۰۱۷	۶۲	۶۲	۲/۶۴	۳/۹
	-۲۰۱۷ ۲۰۱۸	۵۴	۴۰	۵/۹۷	۶/۵۷		-۲۰۱۷ ۲۰۱۸	۵۳	۵۳	۱/۹۶	۴/۰۵
	-۲۰۱۸ ۲۰۱۹	۵۴	۴۱	۵/۷۱	۶/۰۹		-۲۰۱۸ ۲۰۱۹	۴۶	۵۴	۲/۹۳	۳/۷۹
	-۲۰۱۹ ۲۰۲۰	۵۴	۵۴	۳/۵	۶/۶۹		-۲۰۱۹ ۲۰۲۰	۳۹	۵۴	۳/۲۴	۴/۰۲
	-۲۰۲۰ ۲۰۲۱	۴۵	۲۱	۶/۱۸	۶/۱۸		-۲۰۲۰ ۲۰۲۱	۳۸	۴۵	۲/۹	۴
برنامه‌های کارآفرینی دولت	-۲۰۱۶ ۲۰۱۷	۶۵	۲۹	۵/۰۱	۴/۲	پویایی‌های بازار داخلی	-۲۰۱۶ ۲۰۱۷	۶۵	۶۵	۲/۲۱	۴/۳
	-۲۰۱۷ ۲۰۱۸	۵۴	۳۴	۴/۶۱	۵/۹۵		-۲۰۱۷ ۲۰۱۸	۵۴	۵۴	۲/۰۸	۴/۲۵
	-۲۰۱۸ ۲۰۱۹	۵۴	۱۶	۵/۶۶	۵/۳۵		-۲۰۱۸ ۲۰۱۹	۵۲	۵۴	۲/۹۱	۴/۲۱
	-۲۰۱۹ ۲۰۲۰	۵۴	۵۴	۳/۰۴	۵/۱۹		-۲۰۱۹ ۲۰۲۰	۵۰	۵۴	۳/۰۹	۴/۳۷
	-۲۰۲۰ ۲۰۲۱	۴۵	۳۰	۴/۱۸	۵/۳		-۲۰۲۰ ۲۰۲۱	۴۲	۴۵	۳/۲	۴/۹
آموزش کارآفرینی در دوران مدرسه	-۲۰۱۶ ۲۰۱۷	۶۵	۶۵	۲/۷۶	۶/۵	سختی ورود به بازار داخلی یا مقررات ورود	-۲۰۱۶ ۲۰۱۷	۵۳	۶۵	۲/۴۵	۳/۲
	-۲۰۱۷ ۲۰۱۸	۵۴	۵۴	۲/۱	۴/۲۵		-۲۰۱۷ ۲۰۱۸	۲۷	۵۴	۳/۰۷	۳/۴۹
	-۲۰۱۸ ۲۰۱۹	۵۴	۳۴	۳/۸۷	۴/۱۰		-۲۰۱۸ ۲۰۱۹	۳۰	۵۴	۲/۸۹	۳/۰۹
	-۲۰۱۹ ۲۰۲۰	۵۴	۵۱	۳/۳۲	۴/۳۸		-۲۰۱۹ ۲۰۲۰	۲۶	۵۴	۲/۹۸	۳/۲۰
	-۲۰۲۰ ۲۰۲۱	۴۵	۴۳	۳/۱	۴/۴		-۲۰۲۰ ۲۰۲۱	۳۴	۴۵	۲/۴	۳/۳

شاخص	سال	تعداد کشورها	رتبه ایران	امتیاز از ۱۰	میانگین	شاخص	سال	تعداد کشورها	رتبه ایران	امتیاز از ۱۰	میانگین
آموزش کارآفرینی بعد از دوران مدرسه	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۶۴	۳/۱۸	۴/۸	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	۲۰۱۶-۲۰۱۷	۶۵	۶۴	۳/۱۸	۴/۸
	۲۰۱۷-۲۰۱۸	۵۴	۴۹	۳/۸۲	۴/۶۱		۲۰۱۷-۲۰۱۸	۵۴	۴۹	۳/۸۲	۴/۶۱
	۲۰۱۸-۲۰۱۹	۵۴	۵۰	۳/۷۶	۴/۶۶		۲۰۱۸-۲۰۱۹	۵۴	۵۰	۳/۷۶	۴/۶۶
	۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴	۵۳	۳/۲۶	۴/۷۲		۲۰۱۹-۲۰۲۰	۵۴	۵۳	۳/۲۶	۴/۷۲
	۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵	۳۹	۳/۹	۴/۹		۲۰۲۰-۲۰۲۱	۴۵	۳۹	۳/۹	۴/۹

مأخذ: همان.

اجرا و پیاده‌سازی خط‌مشی، پیوندی بین فرمول‌بندی و نتایج خط‌مشی‌های مورد انتظار است. به عبارت دیگر یک فرایند برای اعمال خط‌مشی‌ها و تلاش برای دستیابی به نتایج مطلوب است. از این رو می‌توان گفت موفقیت در اجرای خط‌مشی کارآفرینی نشان‌دهنده افزایش تعداد راه‌اندازی کسب‌وکار، شغل و کاهش میزان فقر و ... است. اما متأسفانه نحوه پیاده‌سازی این خط‌مشی‌ها در ایران نه تنها در برخی مواقع حامی کارآفرینان به عنوان عناصر توسعه اقتصادی و تولید پایدار نیست، بلکه به موانع بزرگی در سر راه این اشخاص تبدیل شده است.

محیط کاملاً مطلوب برای کسب‌وکار در دنیا وجود ندارد و مناسب یا مطلوب بودن این محیط در کشورهای جهان یک امر نسبی است. به عبارت دیگر کشوری در دنیا نیست که در همه شاخص‌های محیط کسب‌وکار کاملاً عالی باشد؛ بلکه کشورها با توجه به شرایطشان در این زمینه دارای نقاط قوت و ضعفی هستند. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ایران در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰ نسبت به دوره قبل در بُعد پویایی بازار داخلی از یکسو و مقررات آسان ورود کسب‌وکارهای نوپا به بازار داخلی و نیز ارزش‌ها و هنجارهای مشوق فرهنگ کارآفرینی از شرایط نسبی خوبی

برخوردار است. البته در زمینه‌های دیگری مانند زیرساخت‌ها نیز در شرایط به نسبت مناسبی قرار دارد. در اصل توسعه زیرساخت‌ها از الزامات مهم توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری مستقیم دولت‌ها با همکاری و مشارکت بخش خصوصی برای توسعه و تقویت زیرساخت‌های فیزیکی باعث تسهیل امکانات تولید و صادرات شده است و فعالیت‌های کارآفرینانه را تشویق کرده و رقابت‌پذیری را در سطح ملی ارتقا می‌دهد. زیرساخت‌های فیزیکی در ایران یکی از نقاط مثبت محیط کسب‌وکار است. در کنار جنبه‌های مثبت، نقاط ضعفی هم در سیاست‌های دولت در رابطه با نظام مالیات و بوروکراسی حاکم بر دستگاه‌ها و نهادهای صادرکننده مجوزهای قانونی کسب‌وکار و تأمین مالی کارآفرینانه مشاهده می‌شود (یازدهمین گزارش ملی سالیانه دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۱۳۹۷). در ایران لزوم توجه به محیط کسب‌وکار و برطرف کردن موانع محیطی بسیار حیاتی است، زیرا چنین وضعیتی چه در زمان حال و چه در زمان آینده پتانسیل‌های کشور را برای خلق ثروت فلج می‌کند و امکان بروز و شکوفایی را به آنها نمی‌دهد. محیط کسب‌وکار چنانچه آماده و حاصلخیز نباشد؛ هرگز نمی‌تواند بستری مناسب برای تولد و رشد کسب‌وکارها پدید آورد. به ناچار کسب‌وکارها در یک محیط بیمار گرفتار دردها و رنج‌های عمیق اما غیرالزامی می‌شوند که هویت و کارکرد آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (هشتمین گزارش ملی سالیانه دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۱۳۹۴). از این رو لازم است با آسیب‌شناسی این موضوع و تجدیدنظر جدی در خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و نیز بررسی چگونگی پیاده‌سازی آنها شرایط لازم برای رفع موانع فراهم شود.

۵. عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی خط‌مشی

عملکرد واقعی دولت‌ها با آنچه که در هنگام تدوین خط‌مشی‌ها وعده می‌دهند،

تفاوت زیادی دارد به طوری که بسیاری از خط‌مشی‌های دولتی در مرحله اجرا شکست می‌خورند. باید توجه داشت که چالش‌های مختلفی بر سر راه اجرای یک خط‌مشی وجود دارد و دولت‌ها با رعایت هرچه بهتر عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌ها تا آنجا که امکان دارد باید از موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی دوری کنند. در گذشته تعداد زیادی از صاحب‌نظران درباره شرایط و عوامل لازم و ضروری برای اجرای مؤثر و موفق خط‌مشی اظهار نظر کرده‌اند. باگر، کلایور و نیلسن^۱ (۲۰۱۵) طی مطالعه‌ای به نقش منافع ویژه تصمیم‌گیرندگان اصلی در شکل‌گیری خط‌مشی‌های کارآفرینی در دانمارک اشاره می‌کنند. بروگز و همکاران^۲ (۲۰۱۸) نشان دادند که خط‌مشی‌های کارآفرینی عمومی در برزیل بیشتر بر حفظ کسب‌وکارهای موجود، حمایت‌های مالی از خط‌مشی‌های کارآفرینی، فناوری و نوآوری تمرکز دارد. ندالا و پلسر^۳ (۲۰۱۹) هم ضمن بررسی تأثیر خط‌مشی‌های کارآفرینی در مولداوی، عوامل ممانعت از توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط در این کشور را عدم دسترسی کافی به تأمین مالی، عدم دسترسی کافی به سرمایه‌گذاری خطرپذیر، عدم نیروی کار واجد شرایط و ... می‌دانند. در جدول ۳ برخی از عوامل و موانع مؤثر بر پیاده‌سازی خط‌مشی‌های عمومی و کارآفرینی از نظر صاحب‌نظران تشریح شده است.

جدول ۳. عوامل و موانع مؤثر بر پیاده‌سازی خط‌مشی‌های عمومی و کارآفرینی

عوامل و موانع	سال	محققان
متغیرهای اصلی (مشکلات فنی، تنوع و تفاوت در رفتارهای گروه هدف)، ساختاری و زمینه‌ای	۱۹۸۳	Mazmanian and Sabatiar

1. Bager, Klyver and Nielsen

2. Borges et al.

3. Ndala and Pelsler

عوامل و موانع	سال	محققان
بی‌توجهی مدیران به خط‌مشی‌ها، نبود تعهد لازم در اجرا، اعمال‌نظرهای شخصی مدیران و مجریان، تعارض منافع مجریان، نبود تخصص کافی، نبود توافق همگانی، غیرواقعی بودن، نبود سازوکارهای هماهنگی، ارتباطات ناکافی دستگاه‌های مجری، بی‌توجهی به گروه‌های ذی‌نفع، عدم حمایت شهروندان، اشتغال به رفع دغدغه‌های سیاسی، تعدد و تداخل اختیارات مراجع، ناهمسویی اهداف خط‌مشی‌گذاران، تعویق در اجرا، کندی روند اصلاح خط‌مشی‌ها	۲۰۰۵	Brynard
بیگانگی و ناتوانی مجریان	۲۰۱۲	Tummers, Steijn and Bekkers
فقدان اجرای مناسب و مجریان خط‌مشی‌های کارآفرینی	۲۰۱۳	Lucky
چگونگی شکل‌گیری خط‌مشی‌ها	۲۰۱۴	Arshed, Carter and Mason
عدم درک مشترک، سیستم‌های ناکارآمد نظارت و ارزیابی، رفتارهای مجریان، ارتباطات درون‌سازمانی، عدم تعهد مجریان و ساختار سازمان	۲۰۱۶	Bolaji, Campbell-Evans and Gray
تعارض بین اهداف خط‌مشی‌ها و عدم برقراری ارتباط با اهداف ذی‌نفعان و عوامل اصلی، ناتوانی دولت‌ها و اراده سیاسی لازم برای اجرای خط‌مشی‌ها، عدم ابلاغ موضوع به ذی‌نفعان کلیدی، انگیزه‌های اقتصادی بهره‌برداری	۲۰۱۷	Howes et al.
عوامل مؤثر: ناهمسویی مصوبات در حوزه کارآفرینی، شناخت ناکافی مجریان، آشنایی ناکافی سیاستگذاران، ناهمسویی و ناسازگاری قوانین، ناکارآمدی مصوبات در حوزه کارآفرینی، آشنایی ناکافی سازمان‌های اجرایی، ناکارآمدی فرایند سیاستگذاری، ناکارآمدی رویکرد سیستمی به کارآفرینی. پیش‌نیازها: طراحی سیاست کلان ملی، تهیه برنامه جامع تکریم کارآفرینان ملی، طراحی برنامه کارآفرینی گسترده عمومی، طراحی برنامه جامع توسعه کارآفرینی سازمانی برای اجرا در بخش خصوصی و ...	۲۰۱۷	Jafari-Moghadam, Zali and Sanaeepour
نگرش‌ها و رفتارهای ذی‌نفعان، مجریان و جامعه هدف	۲۰۱۸	Alderson et al.

عوامل و موانع	سال	محققان
مشخص نبودن خط‌مشی، معیارهای مختلف و متعارض اجرا، عدم انگیزه اجرایی، دستورهای متفاوت، عدم صلاحیت و توانمندی مجریان، عدم کفایت منابع و امکانات اجرا، ساختارهای بوروکراتیک و گروه‌های ذی‌نفوذ	۱۳۸۷	الوانی
فقدان تعهد و اراده سیاسی دولت، نیروی انسانی کارآمد و ضعف در آموزش مجریان، ضعف نظارت و ارزیابی، ناآشنایی مجریان با برنامه، ایرادات مربوط به قانون برنامه، ضعف منابع مالی و بودجه و در نهایت دستگاه اجرایی نامناسب	۱۳۹۴	اشتریان، کشوردوست و فراهانی
موانع ناشی از عملکرد افراد و نهادهای خط‌مشی‌گذار، موانع ساختاری و مدیریتی، موانع ناشی از ماهیت مسائل وزارت عتف، موانع مربوط به مجریان خط‌مشی و موانع محیطی	۱۳۹۵	عباسی و بیگی
موانع خط‌مشی کارآفرینی شامل ماهیتی، مشارکتی، موانع مربوط به مجریان، موانع محیطی، موانع پیاده‌سازی و موانع نظارتی	۱۳۹۷	علی‌آبادی و همکاران

مأخذ: همان.

با بررسی ادبیات پژوهش و مطالعه جامع دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب نظران حوزه خط‌مشی عمومی، متغیرها و شاخص‌های چارچوب نظری پژوهش مشخص شد. آنچه پیرامون پیاده‌سازی خط‌مشی کارآفرینی با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان بیان کرد این است که تاکنون پژوهش خاصی در این باره ارائه نشده و الگوهای موجود بیشتر به پیاده‌سازی خط‌مشی‌های عمومی اشاره دارند. اما از آنجاکه اساس این بررسی در حوزه کارآفرینی بوده است، بنابراین تبیین و واکاوی پیاده‌سازی خط‌مشی کارآفرینی در ایران امری ضروری است. این پژوهش در تلاش است تا با استفاده از عناصر موجود در پیاده‌سازی خط‌مشی‌های عمومی به تدوین و تألیف این الگو بپردازد. با معرفی شاخص‌های پیشنهادی محققان حوزه خط‌مشی‌گذاری در جدول ۳ می‌توان گفت که برخی از عناصر و الگوی قابل تطبیق با پیاده‌سازی خط‌مشی کارآفرینی در ایران کدام‌اند. از این رو یک الگوی مناسب به لحاظ کاربردی می‌تواند به برنامه‌ریزان، خط‌مشی‌گذاران و مجریان در طراحی و اجرای واقع‌بینانه و موفق برنامه‌ها و قوانین کمک شایانی کند. در این پژوهش برآنیم که ضمن

نقد و بررسی جامع اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران و شناسایی عناصر مؤثر بر اجرای این خط‌مشی‌ها، مدلی جامع از عوامل تأثیرگذار با توجه به شرایط سازمان‌های ایرانی ارائه کنیم. همچنین پس از شناسایی این عناصر، چارچوبی جامع برای بررسی تأثیرات هر یک از این عوامل با نظرخواهی و مصاحبه با تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی و افراد مجری در زمینه اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری ارائه و روابط علی و معلولی آنها تعیین می‌شود.

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف کاربردی و از حیث نحوه جمع‌آوری داده‌ها در زمره مطالعات توصیفی از نوع پیمایشی قرار دارد. جامعه آماری این تحقیق را خبرگان حوزه خط‌مشی‌های کارآفرینی که سوابق کارهای اجرایی در حوزه کارآفرینی دارند، تشکیل داده‌اند و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند اعضای نمونه آن انتخاب شده‌اند و مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع نظری یعنی مصاحبه چهاردهم ادامه یافت. از چهارده نفر شرکت‌کننده در این تحقیق، سیزده نفر مرد و یک نفر زن بوده است که همه آنها در این زمینه بیش از پانزده سال سابق فعالیت داشته‌اند. جدول ذیل مشخصات مشارکت‌کنندگان در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در تحقیق

ردیف	جنسیت	حوزه فعالیت	سابقه فعالیت	تحصیلات
۱	مرد	صندوق کارآفرینی امید	۲۰ سال	کارشناسی ارشد
۲	مرد	بانک ملی و مدرس دانشگاه	۳۵ سال	کارشناسی ارشد

۳	مرد	بخش خصوصی و مدرس دانشگاه	۴۰ سال	کارشناسی ارشد
۴	مرد	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و مدرس دانشگاه	۲۵ سال	دانشجوی دکترا
۵	زن	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۲۵ سال	دکترا
۶	مرد	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۱۷ سال	دکترا
۷	مرد	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۱۵ سال	کارشناسی ارشد
۸	مرد	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۲۶ سال	دکترا
۹	مرد	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۱۷ سال	دانشجوی دکترا
۱۰	مرد	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	۴۰ سال	دکترا
۱۱	مرد	مرکز پژوهش‌های مجلس و مدرس دانشگاه	۱۵ سال	دکترا
۱۲	مرد	مرکز پژوهش‌های مجلس و مدرس دانشگاه	۱۵ سال	دکترا
۱۳	مرد	اداره دارایی و مدرس دانشگاه	۲۸ سال	کارشناسی ارشد
۱۴	مرد	آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه	۲۹ سال	کارشناسی ارشد

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر مصاحبه است. برای رسیدن به روایی و پایایی لازم، ضمن انتخاب هدفمند نمونه‌ها، ابتدا هدف پژوهش برای آنها تشریح و سؤال اصلی و محورهای مدنظر برای مصاحبه در اختیار آنها قرار گرفت (اعتبار ارتباطی). در طول انجام مصاحبه سعی شد با طرح مفاهیم و مضامین مرتبط با پرسش محوری، زمینه برای هدایت جریان گفتگو به مسیر موردنظر فراهم شود تا به شکل‌گیری یک درک مشترک کمک شود (اعتبار برخاسته از کیفیت). پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، ابتدا گزاره‌های کلامی استخراج شد. سپس در دو مرحله این گزاره‌ها کدگذاری شدند. یافته‌های مصاحبه با خبرگان در قالب ۳۲ شاخص، برای

سنجش هفت بُعد شناسایی شدند. همچنین در مصاحبه دیگری با ۶ نفر از خبرگانی که در مرحله قبل مصاحبه حضور داشتند، رابطه زوجی و دوجه‌دو عوامل شناسایی و براساس رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری مدل نهایی روابط بین عوامل مشخص شد. مدل‌سازی ساختاری - تفسیری، روشی مناسب برای تحلیل تأثیر یک عنصر بر عناصر دیگر است. این روش ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر ابزاری است که به وسیله آن گروه می‌تواند بر پیچیدگی بین عناصر غلبه کند.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

اولین گام در رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری شناسایی متغیرهاست که از مطالعه ادبیات موضوع و یا از طریق مصاحبه با خبرگان به دست می‌آید. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر به دنبال طراحی الگوی پیاده‌سازی خط‌مشی کارآفرینی در ایران هستیم در اولین گام پس از انجام مصاحبه با خبرگان، ۳۲ شاخص در قالب هفت بُعد شناسایی شد. این عوامل پس از بررسی و تأیید توسط خبرگان به شرح جدول ذیل است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵. عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران

ردیف	شاخص	بُعد	ردیف	شاخص	بُعد
۱	تعیین متولی کارآفرینی	استانداردسازی	۱	شرایط محیطی	محیط اجرا
۲	تدوین شیوه اجرایی کارآفرینی		۲	ساختار اداری	
۳	تفسیر قوانین کارآفرینی		۳	فرهنگ‌سازی	
۴	تعدد قوانین کارآفرینی		۴	اراده سیاسی	
۵	فهم درست و مشترک از کارآفرینی		۵	پایبندی به برنامه	
۶	تدوین نظام کارآفرینی		۶	محرک‌های محیطی	
۷	همسویی قوانین کارآفرینی	مشارکت در اجرا	۱	نیازسنجی برای اجرا	شرایط اجرا
۱	مشارکت مجریان کارآفرینی		۲	زمان اجرا	
۲	مشارکت کارآفرینان		۳	ابزار اجرا	
۱	نظارت بر اجرا		۴	ظرفیت اجرا	
۲	ضمانت اجرایی	ارزیابی اجرا	۱	مسئولیت‌پذیری مجریان	مجریان
۳	وجود دستگاه‌های نظارتی مستقل		۲	آموزش مجریان	
۴	طراحی سیستم نظارت		۳	صلاحیت و توانایی مجریان	
۵	ابزار مناسب ارزیابی		۴	هماهنگی مجریان	
۱	دریافت بازخورد		بازخورد	۵	
۲	انعکاس بازخورد	۶		ثبات مجریان	

مأخذ: همان.

۷-۱. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

در گام بعدی ماتریس خودتعاملی ساختاری از ابعاد و شاخص‌های مطالعه و مقایسه چهار حالت روابط مفهومی بین آنها تشکیل شد. منطق مدل‌سازی ساختاری تفسیری مدل‌سازی ساختاری - تفسیری منطبق بر روش‌های ناپارامتریک و برمبنای مد در فراوانی‌ها عمل می‌کند (آذر و بیات، ۱۳۸۷). به این منظور پرسش‌نامه‌های براساس هفت عامل شناسایی و در مصاحبه با خبرگان طراحی شد. از ۶ نفر از خبرگان خواسته شد نوع ارتباطات دوجه‌دو عوامل را مشخص کنند. سپس با توجه به فراوانی رابطه مشخص شده بین هر دو عامل، ماتریس نهایی خودتعاملی ساختاری^۱ تهیه شد. روابط به دست آمده از این پرسشنامه‌ها در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. ماتریس تعاملي ساختاري (ماتریس مقایسه معیارها)

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱ استانداردسازی	-	V	V	V	V	V	X
۲ مشارکت در اجرا	-	-	A	A	V	A	A
۳ مجریان	-	-	-	X	O	V	O
۴ محیط اجرا	-	-	-	-	V	V	V
۵ شرایط اجرا	-	-	-	-	-	O	O
۶ ارزیابی اجرا	-	-	-	-	-	-	X
۷ بازخورد	-	-	-	-	-	-	-

۲-۷. ایجاد ماتریس دسترسی اولیه

در این مرحله، ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل می‌شود. بنابراین ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید. بر این اساس چنانچه مؤلفه i,j در ماتریس نهایی خودتعاملی ساختاری به صورت V باشد، در ماتریس دستیابی (i,j) تبدیل به یک و (j,i) تبدیل به صفر می‌شود. چنانچه (i,j) در ماتریس نهایی خودتعاملی ساختاری به صورت A باشد در ماتریس دستیابی (i,j) تبدیل به صفر و (j,i) تبدیل به یک می‌شود. چنانچه (i,j) به صورت X وارد شود بنابراین (i,j) و (j,i) تبدیل به یک می‌شود. چنانچه (i,j) به صورت O وارد شود، بنابراین (i,j) و (j,i) صفر می‌شود. در ماتریس دسترسی اولیه درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد. نتایج حاصل در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. ماتریس دسترسی اولیه

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰
۳	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰
۴	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
۶	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱
۷	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱

۳-۷. ایجاد ماتریس دسترسی نهایی

با به دست آمدن ماتریس دستیابی باید سازگاری درونی آن برقرار شود، در این گام تمام روابط ثانویه بین متغیرها براساس خاصیت تعدی بررسی شدند. مطابق خاصیت تعدی در منطق ریاضی اگر $۱=(i,j)$ و نیز $۱=(j,k)$ باشد در نتیجه $۱=(i,k)$ است. از این رو ماتریس دسترسی نهایی طبق جدول ۸ به دست می‌آید. در این جدول شماره عددی که با علامت * مشخص شده، نشان می‌دهد که در ماتریس دسترسی صفر بوده و پس از سازگاری عدد یک گرفته است. در جدول ذیل شماره، قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر متغیر نیز نشان داده شده است.

جدول ۸. ماتریس دسترسی نهایی

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	قدرت نفوذ
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۲	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۲
۳	۰	۱	۱	۱	۰	۱	*۱	۵
۴	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۶
۵	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
۶	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۳
۷	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۴
میزان وابستگی	۲	۶	۳	۳	۴	۵	۵	

۷-۴. تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و شاخص‌ها

برای تعیین روابط و سطح‌بندی معیارها باید مجموعه خروجی و مجموعه ورودی برای هر معیار از ماتریس دسترسی به دست آید. مجموعه خروجی و ورودی برای یک متغیر به این صورت تعریف می‌شود که مجموعه خروجی شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد و مجموعه ورودی شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. سپس مجموعه روابط دوطرفه معیارها مشخص می‌شود. جدول ۹ بیانگر نتایج این مرحله است.

اولین سطری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (ورودی‌ها) باشد، سطح اول اولویت خواهد بود. چنانچه اشتراک مجموعه ورودی‌ها و مجموعه مقدم (خروجی‌ها) برابر باشد متغیر مربوطه در سلسله‌مراتب ماتریس مدل‌سازی ساختاری - تفسیری در بالاترین سطح قرار می‌گیرد. بعد از تعیین سطح، معیاری که سطح آن معلوم شده را در جدول از تمامی مجموعه حذف کرده و مجدداً مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها را تشکیل داده و سطح متغیر بعدی به دست می‌آید. بنابراین عامل پنج متغیر سطح اول، عامل ۲ متغیر سطح دوم، عوامل ۶ و ۷ متغیرهای سطح سوم، عوامل ۳ و ۴ به عنوان عناصر سطح چهارم و در نهایت متغیر ۱ به عنوان متغیر سطح پنجم شناسایی شد.

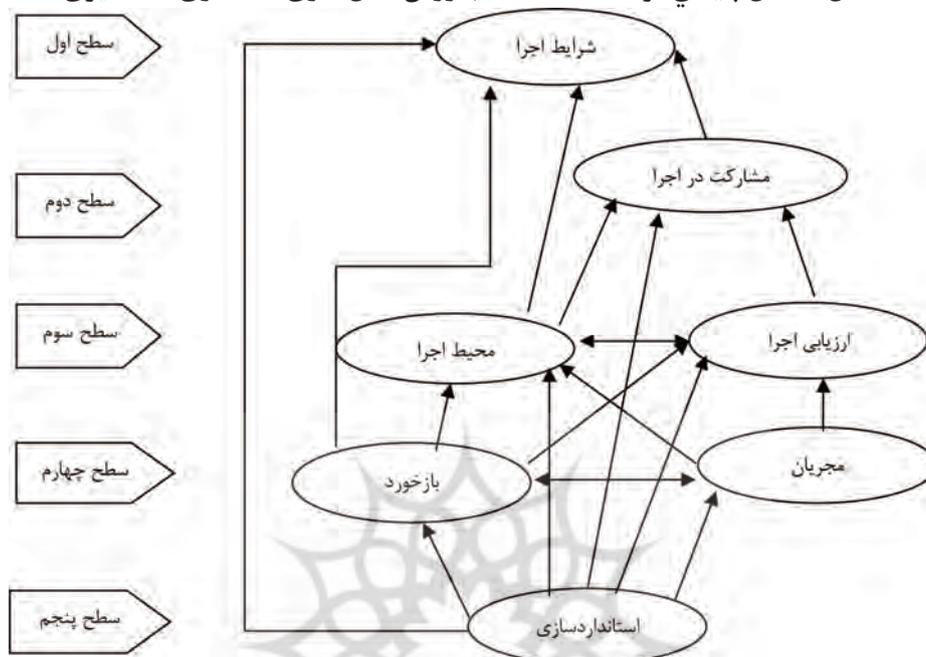
جدول ۹. مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای تعیین سطح

عامل	خروجی: اثرگذاری	ورودی: اثرپذیری	اشتراک	سطح
۱	(۷،۱)	(۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷)	(۷،۱)	۵
۲	(۱،۲،۳،۴،۶،۷)	(۲،۵)	(۲)	۲
۳	(۱،۳،۴)	(۲،۳،۴،۶،۷)	(۳،۴)	۴
۴	(۱،۳،۴)	(۲،۳،۴،۵،۶،۷)	(۳،۴)	۴
۵	(۱،۲،۴،۵)	(۵)	(۵)	۱
۶	(۱،۳،۴،۶،۷)	(۲،۶،۷)	(۶،۷)	۳
۷	(۱،۳،۴،۶،۷)	(۱،۲،۶،۷)	(۱،۶،۷)	۳

۵-۷. رسم مدل اولیه و نهایی ساختاری - تفسیری

با استفاده از سطح‌بندی انجام شده دیاگرامی با عنوان «مدل توسعه داده شده مدل‌سازی ساختاری - تفسیری برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران» ترسیم می‌شود. به این ترتیب که عامل پنج که به عنوان سطح اول شناخته شده است، در اولین سطح دیاگرام قرار می‌گیرد و به همین ترتیب، سایر عوامل در سطوح دیاگرام مشخص شده‌اند. این دیاگرام در شکل ذیل ارائه شده است.

شکل ۱. مدل پایه‌ای توسعه داده شده با روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری



۶-۷. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC)

در این مرحله عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی را براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر عامل طبقه‌بندی می‌شوند. اولین گروه شامل متغیرهای خودمختار می‌شود که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و ارتباطات کمی دارند. در پژوهش حاضر هیچ‌یک از عوامل در این گروه قرار نگرفته‌اند که بیانگر ارتباط قوی عوامل با یکدیگر در این مدل است. گروه دوم، متغیرهای وابسته را شامل می‌شود که از قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی بالایی برخوردارند. عوامل مشارکت در اجرا، شرایط اجرا و ارزیابی در اجرا در این گروه قرار می‌گیرند. به عبارتی برای ایجاد این عوامل، عوامل زیادی دخالت دارند و خود آنها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز عوامل دیگر شوند. گروه سوم، متغیرهای

خط‌مشی می‌تواند مدل ارتقای اجرای خط‌مشی کارآفرینی قلمداد شود. محور بسیاری از مطالعه‌های انجام شده کارآفرینی غالباً به صورت انتزاعی و کلان بوده است. از این رو در پژوهش حاضر سعی شد فاصله مفاهیم انتزاعی و مدل‌های کاربردی و عملیاتی کاهش یابد و برخلاف پژوهش‌های انجام شده قبلی، موضوع خط‌مشی کارآفرینی به صورت جامع و یکپارچه و در مرحله پیاده‌سازی انجام مورد بررسی گرفته است.

طراحی الگوی پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در ایران مستلزم شناسایی ابعاد اصلی و تأثیرگذار در این رابطه و برقراری ارتباط بین آنهاست. بر این اساس پس از مصاحبه با خبرگان این حوزه ۳۲ شاخص در هفت بُعد شناسایی شدند. همچنین به منظور سطح‌بندی و تجزیه و تحلیل روابط میان آنها و ارائه الگو از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد. در مدل به دست آمده عوامل در پنج سطح قرار گرفتند. این سطوح در مدل‌سازی ساختاری تفسیری بیانگر ترتیب و توالی از نظر اجرا شدن است.

سطح پنجم: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که «استانداردسازی» سنگ‌زیربنای مدل محسوب شده و در پنجمین سطح قرار گرفته است. نبود استاندارد مناسب برای اجرا باعث ایجاد پیچیدگی‌هایی در روند اجرا می‌شود. در نظام خط‌مشی‌گذاری، اثربخش‌ترین اجرا، اجرایی است که ابهام در هدف و ابهام در ابزار (چگونگی اجرای آن) ندارد. به عبارت دیگر شفافیت خط‌مشی و صراحت چگونگی دستیابی به آن باعث خواهد شد تا ابهام کاهش یابد. در سالیان اخیر بحث خط‌مشی و برنامه‌های کارآفرینی، به موضوع مهمی در محافل تقنینی و اجرایی کشور تبدیل شده است، اما به دلیل فقدان متولی مشخص و کارآمد، نبود نقشه جامع و ملی کارآفرینی، نامناسب بودن سیاست‌گذاری‌ها، قانونگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان در حوزه کارآفرینی، عدم مدیریت و برنامه‌ریزی علمی، جامع و راهبردی در نهادهای متولی توسعه کارآفرینی و

هماهنگی حداقلی، موازی‌کاری‌ها و دوباره‌کاری‌های متعدد این نهادها و بی‌توجهی به رشد متوازن در کشور باعث بروز چالش‌ها و مشکلات متعددی پیش روی کارآفرینان و حوزه کارآفرینی شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق تأثیر نقش عامل استانداردسازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در پیاده‌سازی را تأیید می‌کند. این عامل شامل تفسیر قوانین، تدوین نظام کارآفرینی، تهیه شیوه‌نامه اجرایی، حذف قوانین موازی، همسویی قوانین و فهم درست و مشترک از کارآفرینی است که برخی از محققان و اندیشمندان همچون ساباتیار و مزمانیان^۱ (۱۹۸۳)، برینارد^۲ (۲۰۰۵)، ارشد، کارتر و میسون (۲۰۱۴)، هاوس و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، آلدرسون و همکاران^۴ (۲۰۱۸)، الوانی (۱۳۸۷)، معمارزاده طهران، میرسپاسی و جلیلی (۱۳۹۰)، قلی‌پور (۱۳۹۰)، مهربان‌فر (۱۳۹۵)، عباسی و بیگی (۱۳۹۵) و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقات خود به چنین مضامینی اشاره کرده‌اند.

سطح چهارم: «مجریان» و «بازخورد» در این مدل چهارمین سطح را به خود اختصاص داده‌اند و ارتباط بین این دو عامل، دوطرفه است. این عوامل تحت تأثیر عامل استانداردسازی که در سطح پنجم است، قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر اگر خط‌مشی‌های کارآفرینی استانداردسازی شود، تمرکز بر مجریان و بازخورد بیشتر می‌شود. به‌طور کلی مجریان به عنوان اصلی‌ترین بازیگران در مرحله اجرا، ابزار مهمی برای اجرای موفق خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها هستند و گرایش و علاقه آنها بر اجرای کارآمد خط‌مشی، تأثیر مستقیم دارد. در صورتی که مجریان نسبت به خط‌مشی‌های کارآفرینی نظر مساعدی داشته باشند بدون تردید بر تعهد، مسئولیت‌پذیری، صلاحیت،

1. Sabatiar and Mazmanian

2. Brynard

3. Howes et al.

4. Alderson et al.

توانایی و هماهنگی آنها تأثیر خواهد گذاشت. متأسفانه نبود شناخت کافی پیرامون کارآفرینی باعث شده که التزام و اعتقاد لازم برای پیاده‌سازی مناسب خط‌مشی‌های مذکور در مجریان وجود نداشته باشد. از این رو خط‌مشی‌های کارآفرینی مندرج در برنامه‌های توسعه، کمتر محور عمل مجریان قرار می‌گیرد. برای اجرای یک برنامه باید به دور از ملاحظات سیاسی و استفاده از نیروهای کارآمد اجرایی زمینه لازم را جهت پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های فراهم کرد. ساباتیار و مزمانیان (۱۹۸۳)، برینارد (۲۰۰۵)، تامرز^۱ (۲۰۱۲)، لوکی^۲ (۲۰۱۳)، بولاجی، کمپل - ایوانز و گری^۳ (۲۰۱۶)، ریلی (۲۰۱۸)، الوانی (۱۳۸۷)، قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، اشترینان، کشوردوست و فراهانی (۱۳۹۴)، مهربان‌فر (۱۳۹۵)، عباسی و بیگی (۱۳۹۵)، طاهرپور کلانتری و معمارزاده طهران (۱۳۸۷) و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) از جمله محققان و اندیشمندانی هستند که در تحقیقات خود به متغیرهایی چون تعهد و مسئولیت‌پذیری مجریان، آموزش مجریان، صلاحیت و توانایی مجریان، هماهنگی مجریان و دانش و اطلاعات مجریان اشاره کرده‌اند.

از سوی دیگر در نظام اداری اغلب کشورهای دنیا پس از دریافت بازخورد عملکرد مجریان و برنامه‌ها، نتایج حاصل از آن را به عنوان مبنای اتخاذ تصمیمات مهم آینده به خط‌مشی‌گذاران و مجریان انعکاس می‌دهند، چرا که برنامه‌ها می‌توانند از طریق بازخورد در آینده بهبود یابند و مجریان نیز می‌توانند نتیجه عملکرد خود را مشاهده کنند و در جهت اصلاح گام بردارند. در سازمان‌های مجری خط‌مشی‌های کارآفرینی افراد جهت اجرای موفق برنامه‌ها، نیازمند آگاهی از نقاط ضعف و قوت عملکرد خود هستند تا بتوانند براساس آن وضعیت عملکرد خود را بهبود بخشند و از این طریق در

1. Tummers

2. Lucky

3. Bolaji, Campbell-Evans and Gray

روند حرکت خود اقدامات مثبتی انجام دهند. ساباتیار و مزمانیان (۱۹۸۳) و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در مدل خود بر تأثیر بازخورد و یادگیری سازمانی تأکید دارند.

سطح سوم: در سطح سوم مدل «ارزیابی اجرا» و «محیط اجرا» قرار گرفته که ارتباط بین این عوامل هم دوطرفه است. این سطح نیز از سطوح چهارم و پنجم تأثیر پذیرفته است. نظارت بر حسن انجام برنامه‌ها می‌تواند در بهبود موضوع اجرا نقش بسزایی داشته باشد. نظارت به این مفهوم است که خط‌مشی‌ها در مرحله اجرا از اهداف خود منحرف نشود و برنامه به نحو مناسبی به اجرا گذاشته شود. وجود نظارت کارا و مؤثر می‌تواند باعث جهت‌دهی درست اجرای خط‌مشی براساس اهداف پیش‌بینی شده آن شود. برای دستیابی به نتایج مورد انتظار، لازم است خط‌مشی‌ها در حین اجرا و پس از آن ارزیابی شود. وجود سیستم نظارتی مستقل و وجود ابزارها و معیارهای ارزیابی نقش مؤثری در ارزیابی برنامه‌های کارآفرینی دارد. همچنین خط‌مشی‌های کارآفرینی جهت رسیدن به اهداف و آرمان‌های خویش باید واجد ضمانت اجرا باشد. ضمانت اجرایی و وجود نظام انگیزشی (تنبیه و پاداش) برای مجریان و نیز بازخواست مجریان، در قبال عملکردشان باعث می‌شود تا بازیگران تمایل و رغبت بیشتری جهت اجرای کارآمد قانون را داشته و عملاً این‌گونه خط‌مشی‌ها از ضمانت اجرایی لازم برخوردار باشند. اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق نقش ارزیابی اجرا در پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های کارآفرینی را تأیید می‌کند. بولاجی، کمپل - ایوانز و گری (۲۰۱۶)، هاوس و همکاران (۲۰۱۷)، الوانی (۱۳۸۷)، اشتریان، کشوردوست و فراهانی (۱۳۹۴)، طاهرپور کلانتری و معمارزاده طهران (۱۳۸۷) و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقات خود به نظارت بر اجرا و ابزار مناسب ارزیابی اشاره کرده‌اند.

از سوی دیگر محیط خط‌مشی شامل جو سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بازیگران

و ... است که بر اجرای آن تأثیرگذار است. در طول سالیان گذشته، بی توجهی به شرایط محیطی، فقدان نظام اداری صحیح به منظور تسریع در حل و فصل امور و تأمین نیازهای مشروح، تصمیم‌گیری تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و عدم پایبندی به برنامه‌های توسعه باعث شده است که رشد حوزه کارآفرینی در پس توسعه سایر بخش‌ها به فراموشی سپرده و یا از مسیر خود منحرف شود. اسناد ملی توسعه اقتصادی، یکی از مهمترین اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که جهت‌گیری کلی کشور را تبیین کرده است. مطمئن‌ترین مسیر پیش روی کشور، دستیابی به اهداف مندرج در این اسناد است. بدون شک دستیابی به اهداف ارزشمند و متعالی فوق تنها از طریق پایبندی به اسناد و محیط اجرایی مناسب است. نتایج این تحقیق از تأثیر محیط اجرا بر پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های کارآفرینی حکایت می‌کند. از این رو هرچه حمایت‌های محیطی بیشتر و موانع نیز کمتر شود، شرایط برای اجرای قوی‌تر فراهم خواهد بود. برخی از محققان و اندیشمندان همچون ساباتیار و مزمانیان (۱۹۸۳)، هاوس و همکاران (۲۰۱۷)، مهربان‌فر (۱۳۹۵)، عباسی و بیگی (۱۳۹۵)، طاهرپور کلانتری و معمارزاده طهران (۱۳۸۷) و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقات خود از متغیرهایی چون شرایط محیطی، اصلاحات اداری، اراده سیاسی و شناسایی موانع نام برده‌اند.

سطح دوم: «مشارکت اجرا» در سطح دوم مدل قرار گرفته است. این سطح هم از سطوح سوم، چهارم و پنجم تأثیر پذیرفته است. خط‌مشی‌های عملیاتی است که بین خط‌مشی‌گذاران، مجریان و ذی‌نفعان آن تعامل باشد و براساس خواسته‌های مشروع آنها تدوین شود. بدون تردید استفاده از نظرها و پیشنهادهای مجریان و ذی‌نفعان هم در تشخیص واقعی مسائل و هم در ارائه راهکارهای اجرایی و نیز اجرای موفق برنامه‌های کارآفرینی مؤثر خواهد بود؛ در حالی که در ایران اهمیت چندانی به این

مهم داده نمی‌شود. اطلاعات جمع‌آوری شده در تحقیق حاضر نقش مؤثر مشارکت در پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های کارآفرینی را نشان می‌دهد. بی‌شک مطمئن‌ترین مسیر پیش روی کشور در راستای دستیابی به اهداف مندرج در برنامه‌های توسعه استفاده از نظرهای مجریان و ذی‌نفعان است. زبان و فرهنگ متفاوت بین ذی‌نفعان و مجریان با تدوین‌کنندگان برنامه‌های توسعه در بسیاری موارد جزء موانع عمده اجرا محسوب می‌شود. از این رو هرچه مجریان و ذی‌نفعان نسبت به برنامه‌های توسعه نگرش مثبتی داشته باشند به‌طور یقین بر میزان تعامل آنها و در نتیجه کارآفرینی اثر مثبت‌تری خواهد داشت. برخی از محققان و اندیشمندان همچون برینارد (۲۰۰۵)، هاوس و همکاران (۲۰۱۷)، آنسل، سورنسن و تورفینگ (۲۰۱۷)، آلدرسون و همکاران (۲۰۱۸)، الوانی (۱۳۸۷)، و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقات خود به متغیرهای مشارکت ذی‌نفعان و مشارکت مجریان اشاره کرده‌اند.

سطح اول: در نهایت در بالاترین سطح مدل «شرایط اجرا» قرار گرفته که از سایر عوامل تأثیرپذیری کمتری دارد. این امر نشان می‌دهد که اهمیت دادن به سایر عوامل که اهمیت بالاتری دارند؛ می‌تواند به صورت خودکار شرایط اجرا را پوشش دهد. یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در برنامه‌ریزی هر سیستم شرایط اجراست. شرایط اجرا شامل نیازسنجی، زمان، ظرفیت و ابزار اجراست. نبود امکانات، ابزار و ظرفیت اجرایی مناسب برای اجرای خط‌مشی‌ها یکی دیگر از علل اجرای ناقص و نامناسب خط‌مشی‌های کارآفرینی در طول سالیان گذشته در کشور است. به‌رغم مفادی که در برخی مواد برنامه‌های توسعه بیان شده است، اما مشخص نیست شیوه اجرای این اهداف، ضمانت اجرایی، ظرفیت و ابزار اجرایی چگونه خواهد بود. ساختارها و ابزار اجرایی، ابزار مهمی برای اجرای موفق خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها هستند.

از این رو برای اجرای یک برنامه باید ابزار، ظرفیت، زمان و ساختار به طور شفاف مشخص شود. اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق تأثیر نقش شرایط اجرا در پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های کارآفرینی را نشان می‌دهد ساباتیار و مزمانیان (۱۹۸۳)، قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، اشتریان، کشوردوست و فراهانی (۱۳۹۴)، طاهرپور کلانتری و معمارزاده طهران (۱۳۸۷) و علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) از جمله محققینی هستند که در تحقیقات خود از متغیرهایی چون زمان اجرا، ابزار اجرا و ظرفیت اجرا نام برده‌اند. این مدل علاوه بر نمایش روابط میان عناصر، عوامل را در قالب سه گروه دسته‌بندی می‌کند: عوامل مشارکت در اجرا، شرایط اجرا و ارزیابی در اجرا، جزء عوامل وابسته، بازخورد جزء عوامل پیوندی و استانداردسازی، فرهنگ اجرا و محیط اجرا نیز جزء عوامل مستقل هستند. نتایج تحقیق حاضر می‌تواند خلأ موجود در زمینه پژوهش را که ناشی از مشخص نبودن شاخص‌ها و سلسله‌مراتب بین آنهاست، پر کند.

با توجه به عوامل شناسایی شده در این تحقیق، برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

پیشنهادها کاربردی

براساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر و با توجه به اینکه استانداردسازی بیشترین تأثیر را بر سایر شاخص‌های پیاده‌سازی دارد، پیشنهاد می‌شود سند ملی کارآفرینی و نقشه راه پیاده‌سازی آن تدوین شود. در کشورمان به دلیل نبود متولی و سیاست مشخص و کارآمد، نبود نقشه جامع و ملی کارآفرینی، نامناسب بودن سیاست‌گذاری‌ها، قانونگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان کشور در حوزه کارآفرینی، هماهنگی حداقلی و موازی‌کاری‌ها و ... باعث شده مسائل و مشکلات متعددی پیش روی کارآفرینان و حوزه

کارآفرینی قرار بگیرد. از این رو این سند می‌تواند موجبات جهت‌دهی خط‌مشی‌های بخش‌های مختلف در مسیر توسعه کارآفرینی را فراهم آورد.

مجریان اجرا نیز می‌توانند نقش بسزایی در پیاده‌سازی مطلوب خط‌مشی‌های کارآفرینی داشته باشند. اگر مجریان نسبت به خط‌مشی‌های کارآفرینی نظر مساعدی داشته باشند بدون تردید بر تعهد، مسئولیت‌پذیری، صلاحیت، توانایی و هماهنگی آنها تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود مجریان خط‌مشی‌های کارآفرینی از بین افراد متعهد و مسئولیت‌پذیری انتخاب شوند که دارای دانش و اطلاعات مناسبی باشند و همچنین برای بالا بردن توانایی و دانش آنها آموزش‌های لازم ارائه شود.

از سوی دیگر نتایج حاصل از بازخورد می‌تواند به عنوان مبنای اتخاذ تصمیم‌های مهم آینده برای خط‌مشی‌گذاران و مجریان باشد، چرا که برنامه‌ها می‌توانند از طریق بازخورد در آینده بهبود یابند. در این باره پیشنهاد می‌شود سازوکار دریافت بازخورد ارزیابی و اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی تدوین شود و نهادهای ارزیابی‌کننده در اسرع وقت نسبت به انعکاس بازخورد اجرا به مجریان و نیز تدوین‌کنندگان خط‌مشی‌های کارآفرینی اقدام کنند.

درباره ارزیابی در اجرا نیز پیشنهاد می‌شود که سیستم نظارتی و چگونگی انجام آن پیش از آغاز پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی مشخص شود و با تعیین دستگاه‌های نظارتی مستقل، در طول فرایند پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی بر این مهم نظارت شود.

با توجه به تأیید اهمیت شرایط اجرا در پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از هدررفت منابع، پیش از پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی، ضمن نیازسنجی به زمان و ظرفیت‌های اجرایی توجه شود.

موضوع حائز اهمیت دیگر آنکه استفاده از نظرها و پیشنهاد‌های مجریان و ذی‌نفعان

هم در تشخیص واقعی مسائل و هم در ارائه راهکارهای اجرایی و نیز اجرای موفق برنامه‌های کارآفرینی مؤثر خواهد بود. بنابراین برای ایجاد افزایش مشارکت در اجرا پیشنهاد می‌شود زمینه لازم جهت بالا رفتن مشارکت ذی‌نفعان و مجریان در تدوین و پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی به وسیله برنامه‌های تشویقی فراهم شود و در نهایت شرایط محیطی مناسب برای پیاده‌سازی با اقداماتی مانند اصلاحات اداری، فرهنگ‌سازی و وجود اراده سیاسی لازم جهت پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی در دولت‌ها فراهم شود.

درعین حال اقدامات ذیل نیز می‌تواند پیشنهادهای دقیقی برای اجرای خط‌مشی کارآفرینی باشد:

۱. تدوین سند ملی کارآفرینی و نقشه راه پیاده‌سازی آن و انتخاب متولی اجرا،
۲. تشکیل کارگروه‌های اجرایی جهت استفاده از تجربیات، پیشنهادهای و نظرات مجریان و ذی‌نفعان خط‌مشی‌های کارآفرینی،
۳. انتخاب مجریان خط‌مشی‌های کارآفرینی از بین افراد متعهد، مسئولیت‌پذیر و دارای دانش و اطلاعات مناسب،
۴. الزام و پاسخ‌گویی دولت جهت پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی،
۵. انتخاب ظرفیت، ابزار و زمان مناسب برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی با توجه به شرایط محیطی،
۶. تعیین دستگاه‌های نظارتی مستقل، در طول فرایند پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی جهت نظارت و ارزیابی،
۷. انعکاس بازخورد اجرا به مجریان و تدوین‌کنندگان خط‌مشی‌های کارآفرینی جهت اصلاح برنامه‌های آتی.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق در زمینه‌های زیر هم خلأهایی وجود دارد که پژوهشگران آتی می‌توانند به عنوان محور مطالعاتی برای خود انتخاب کنند:
۱. در مورد سازوکارهای استانداردسازی خط‌مشی‌های کارآفرینی نیاز به مطالعات بیشتری است.
 ۲. در مورد چگونگی استفاده از نظر مجریان و ذی‌نفعان در پیاده‌سازی خط‌مشی‌های کارآفرینی نیازمند شناسایی زمینه‌ها و سازوکارهای لازم است.
 ۳. در مورد چگونگی نظارت و ارزیابی حسن اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی نیازمند بسترسازی و ابزارسازی است.
 ۴. پژوهش جداگانه‌ای در زمینه موانع اجرای خط‌مشی کارآفرینی از دیدگاه تدوین‌کنندگان قانون می‌تواند انجام شود.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر در کنار یافته‌های اصیل و خاص با محدودیت‌هایی هم مواجه بوده که می‌تواند فرصتی برای پژوهشگران آتی باشد. محدودیت اول به پیچیدگی ماهیت علم کارآفرینی مربوط است، زیرا در جامعه و مخاطبان مختلف درک دقیق و مشترک از کارآفرینی کم است و این باعث می‌شود که پاسخ‌های ارائه شده بسیار متنوع باشد. بنابراین پژوهشگران آتی می‌توانند بر ساده‌سازی و مفهوم‌سازی کارآفرینی تلاش بیشتری داشته باشند. محدودیت دوم آن است که فعالیت‌های کارآفرینی در صنایع و کسب‌وکارهای متفاوتی پدید می‌آید که اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی برای هر کدام از آنها ویژگی‌ها و دستورالعمل خاص خود را دارد. بنابراین شناسایی موانع و محدودیت‌های اجرایی خط‌مشی‌های کارآفرینی در هر صنعتی می‌تواند مهم و اساسی

باشد. محدودیت سوم نیز آن است که ما از روش مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کردیم و چنانچه از روش‌های اسنادی و مشاهده‌ای هم برای این تحقیق استفاده شود می‌تواند نتایج کامل‌تری به دست آورد.



منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷). «طراحی مدل فرایند محوری کسب‌وکار با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، سال اول ش اول.
۲. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷). «خط‌مشی عمومی و اجرا»، فصلنامه حقوق و مصلحت، سال اول، ش ۱.
۳. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۵). *فرایند خط‌مشی‌گذاری*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. اشتریان، کیومرث، سمانه کشوردوست و مجید فراهانی (۱۳۹۴). «اجراپژوهی در سیاستگذاری عمومی؛ موانع اجرای مطلوب برنامه چهارم توسعه در حوزه سلامت و فرهنگ»، *سیاستگذاری عمومی*، دوره ۱ ش ۲.
۵. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). «روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوب مفهومی»، *نشریه توسعه کارآفرینی*، ش ۶.
۶. سند برنامه درسی آموزش و پرورش مصوب آذر ماه ۱۳۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش.
۷. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب جلسه ۷۰۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، *روزنامه رسمی کشور*، مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۹، شماره ۱۹۵۱۳.
۸. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب جلسه ۶۸۱ تا ۶۹۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۹. سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور، مصوب ۱۳۸۸/۰۵/۰۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۰. سند راهبردی کشور در امور نخبگان مصوب جلسه ۲۴۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۱. سند نقشه جامع علمی کشور مصوب جلسه ۶۶۲ تا ۶۷۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. سیاست‌ها و راهکارهای کاهش مهاجرت نخبگان مصوب مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۳. طاهرپور کلاتتری، حبیب‌اله و غلامرضا معمارزاده طهران (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های مالیاتی مصوب مجلس»، *پژوهشنامه* ۲، ش ۴.
۱۴. عباسی، طیبه و وحید بیگی (۱۳۹۵). «تبیین چالش‌های اجرای خط‌مشی‌های عمومی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، سال ۸، ش ۳.

۱۵. علی‌آبادی، ابراهیم، محمد عزیز، اکبر عالم تبریز و علی داوری (۱۳۹۷). «شناسایی موانع اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی و نوآوری در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره ۸، ش ۳.
۱۶. قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۹) مورخ ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، *روزنامه رسمی کشور*، مورخ ۱۳۸۳/۰۷/۲۹، شماره ۱۷۳۷۵.
۱۷. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی، *روزنامه رسمی کشور*، مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸، شماره ۱۶۴۷۰.
۱۸. قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی، *روزنامه رسمی کشور*، مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۱، شماره ۲۰۹۹۵.
۱۹. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران، انتشارات سمت.
۲۰. قلی‌پور، رحمت‌اله، حسن دانایی‌فرد، حسن زارعی‌متین، غلامرضا جندقی و محمدرضا فلاح (۱۳۹۰). «ارائه مدلی برای «اجرای خط‌مشی‌های صنعتی»: مطالعه موردی در استان قم»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، دوره ۹ ش ۲.
۲۱. لسستر، جیمز پی. و جی. آر. جوزف استوارت (۱۳۸۱). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، ترجمه مجتبی طبری و دیگران، تهران، نشر ساوالان.
۲۲. محمدکاظمی، رضا، سعید جعفری‌مقدم و سارا سهیلی (۱۳۹۱). «شناسایی میزان تأثیر جو سازمانی بر نوآوری (مطالعه موردی: بانک ملت)»، *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، سال ۵، ش ۲.
۲۳. معمارزاده طهران، غلامرضا، ناصر میرسپاسی و سودابه جلیلی (۱۳۹۰). «ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان»، *فصلنامه رسالت مدیریت دولتی*، سال ۲، ش ۴.
۲۴. مهربان‌فر، احسان (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری دولت در عرصه خصوصی‌سازی برمبنای نظریه داده‌بنیاد». *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال ۲۳، ش ۸۶.
۲۵. نقشه جامع علمی سلامت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۹).

۲۶. هشتمین گزارش سالیانه دیده‌بان جهانی کارآفرینی در ایران (۱۳۹۴).
۲۷. یازدهمین گزارش سالیانه دیده‌بان جهانی کارآفرینی در ایران (۱۳۹۷).
28. Abioro, T. and H. A. Adefeso (2016). "The Menace of Poverty and the Challenges of Public Policy Making in Nigeria", *Journal of Sustainable Development*, 9(1).
29. Acs, Z. J. and L.Szerb (2007). "Entrepreneurship, Economic Growth and Public Policy", *Small Business Economics*, 28(2-3).
30. Acs, Z. J., E. Autio and L. Szerb (2014). "National Systems of Entrepreneurship: Measurement Issues and Policy Implications", *Research Policy*, 43(3).
31. Alderson, S., R. Foy, L. Bryant, S. Ahmed and A. House (2018). "Using Q-methodology to Guide the Implementation of New Healthcare Policies", *BMJ Quality and Safety*, 27(9).
32. Ansell, C., E. Sørensen and J. Torfing (2017). "Improving Policy Implementation Through Collaborative Policymaking", *Policy and Politics*, 45(3).
33. Arshed, N., S. Carter and C. Mason (2014). "The Ineffectiveness of Entrepreneurship Policy: Is Policy Formulation to Blame?", *Small Business Economics*, 43(3).
34. Audretsch, D. B. and I. A. Beckmann (2007). "From Small Business to Entrepreneurship Policy", *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*.
35. Audretsch, D. B., I. Grilo and A. R. Thurik (2007). "Explaining Entrepreneurship and the Role of Policy: A Framework", *The Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*, 1-17.
36. Bager, T. E., K. Klyver and P. S. Nielsen (2015). "Special Interest in Decision Making in Entrepreneurship Policy", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 22(4).
37. Bolaji, S. D., G. Campbell-Evans and J. Gray (2016). "Universal Basic Education Policy Implementation in Nigeria", *KEDI Journal of Educational Policy*, 13(2).
38. Borges, C., É. D. Bezerra, G. Silva, T. Andreassi and V. D. R. Ferreira (2018). "Entrepreneurship Policy in Brazil: Its Focus and Gaps", *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 34(2).
39. Brooks, S. (1989). *Public Policy in Canada: An Introduction*, McClelland and Stewart Limited.
40. Brynard, P. (2005). "Policy Implementation: Lessons for Service Delivery", *Journal of Public Administration*, No. 40, Issue. 3.
41. Burton, P. (2006). "Modernising the Policy Process: Making Policy Research More

- Significant?", *Policy Studies*, 27(3).
42. European Commission (2013). "Entrepreneurship 2020 Action Plan – Reigniting the Entrepreneurial Spirit in Europe", *European Commission, Brussels*.
 43. Gilbert, B. A., D. B. Audretsch and P. P. McDougall (2004). "The Emergence of Entrepreneurship Policy", *Small Business Economics*, 22(3-4).
 44. Hart, D. (2003). Entrepreneurship Policy: "What it is and Where it Came From", *The Emergence of Entrepreneurship Policy, Governance, Start-ups and Growth in the US Knowledge Economy*.
 45. Henrekson, M. and T. Sanandaji (2014). "Small Business Activity Does not Measure Entrepreneurship", *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 111(5).
 46. Hoffmann, A. N. (2007). A Rough Guide to Entrepreneurship Policy, *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*.
 47. Howes, M., L. Wortley, R. Potts, A. Dedekorkut-Howes, S. Serrao-Neumann, J. Davidson and P. Nunn (2017). "Environmental Sustainability: A Case of Policy Implementation Failure?", *Sustainability*, 9(2).
 48. Jacquemin, A. and F. Janssen (2013). "Role of Regulation in Facilitating Entrepreneurship: A Study of Incubation in Belgium", *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 20(4).
 49. Jafari-Moghadam, S., M. Zali and H. Sanaeepour (2017). "Tourism Entrepreneurship Policy: A Hybrid MCDM Model Combining DEMATEL and ANP (DANP)", *Decision Science Letters*, 6(3).
 50. Jennings, P. L., L. Perren and S. Carter (2005). "Guest Editors' Introduction: Alternative Perspectives on Entrepreneurship Research", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(2).
 51. Keyhani, M. and S. Jafari-Moghadam (2008). "Language Barriers to Meme Contagion: The Case of Entrepreneurship as a Concept in Iran", In International Conference on Entrepreneurship, ICE (pp. 1-16), *Faculty of Management and Muamalah, Selangor International Islamic University College, Malaysia*.
 52. Lucky, E. O. I. (2013). "Exploring the Ineffectiveness of Government Policy on Entrepreneurship in Nigeria", *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 19(4).
 53. Lundström, A. and L. A. Stevenson (2005). *Entrepreneurship Policy: Theory and Practice* (Vol. 9). New York, Springer.
 54. Mazmanian, D. A. and P. A. Sabatier (1983). *Implementation and Public Policy*, Scott Foresman.

55. Minniti, M. and M. Lévesque (2008). *Recent Developments in the Economics of Entrepreneurship*.
56. Ndala, N. N. and T. Pelsler (2019). "Examining the Effectiveness of Entrepreneurship Policy Implementation in Malawi", *Journal of Contemporary Management*, 16(2).
57. Nightingale, P. and A. Coad (2014). "Muppets and Gazelles: Political and Methodological Biases in Entrepreneurship Research", *Industrial and Corporate Change*, 23(1).
58. Norbäck, P. J., L. Persson and R. Douhan (2014). "Entrepreneurship Policy and Globalization", *Journal of Development Economics*, 110.
59. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2010). *SMEs, Entrepreneurship and Innovation*, OECD Publishing, Paris.
60. Perren, L. and P.L. Jennings (2005). "Government Discourses on Entrepreneurship: Issues of Legitimization, Subjugation and Power", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29 (2).
61. Pittaway, L. (2005). "Philosophies in Entrepreneurship: A Focus on Economic Theories", *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 11(3).
62. Reilly, J. E. (2018). "Education Policy Perspective on Entrepreneurship", In *The Palgrave Handbook of Multidisciplinary Perspectives on Entrepreneurship*, Palgrave Macmillan, Cham.
63. Sarfati, G. (2013). "Estágios de Desenvolvimento Econômico e Políticas Públicas de Empreendedorismo e de Micro, Pequenas e Médias Empresas (MPMEs) Em Perspectiva Comparada: Os Casos do Brasil, do Canadá, do Chile, da Irlanda e da Itália", *Revista de Administração Pública*, 47.
64. Shane, S. (2009). "Why Encouraging More People to become Entrepreneurs is Bad Public Policy", *Small Business Economics*, 33(2).
65. Sinaee, V. and S. Zamani (2012). "A Survey on the Role of the Iranian Government and Parliament in the Changing of Economic Policies (Case study: The First Economic, Social and Cultural Plan, 1989–1993)", *Encyclopedia of Economic Rights*, 19(2).
66. Tsai, W.-H. and H.-C. Kuo (2011). "Entrepreneurship Policy Evaluation and Decision Analysis for SMEs", *Expert Systems with Applications*, 38(7).
67. Tummers, L., B. Steijn and V. Bekkers (2012). "Explaining the Willingness of Public Professionals to Implement Public Policies: Content, Context and Personality Characteristics", *Public Administration*, Vol. 90, No. 3.